

اسناد وقف خاندان خلیفه سلطان

مجموعه اسناد وقف خاندان خلیفه سلطان

در اینجا سه سند مربوط به اوقاف این خاندان رامی بینیم

۱ - وقف نامه میرشجاع‌الدین محمود اصفهانی که در ۹۸۳ بخط خود نوشته و مهرش هم در آن هست.

عکس دونسخه از این یکی در دسترسم بوده یکی اصل دیگری رونوشتی از آن

۲ - سیاهه موقوفات سلطان العلماء خلیفه سلطان که من تا توانستم در آن دقت کردم و آنچه به نظرم درست آمده در اینجا آوردم ولی بسیاری از عبارتهای آن برایم حل نشده است.

۳ - وقف نامه زبیده بیگم دختر شاه سلیمان صفوی (۱۰۷۷ - ۱۱۰۵) و خواهر شاه سلطان حسین که در ۱۱۰۷ انجام یافته است . نسخه آن اصل نیست بلکه رونوشتی است که در سال ۱۳۲۲-۱۳۲۵ باید نوشته باشند . چند سجلی ازین رونوشت در عکس روشن نبوده و نتوانستم بخوانم امید که اصل سند و رونوشت آن بدست بیاید بتوان همه آن را بخوبی خواند . این نکته هم گفته شود که زبیده بیگم زن میرزا محمد حسین پسر سلطان العلماء بوده است (همان نسب نامه):

نکته دیگر اینکه وقف نامه دیگری هم از مریم بیگم دختر شاه صفی (۱۰۳۸-۱۰۵۲) بانی مدرسه‌ای بنام خود و بازار و چهارسوق خاجوی اصفهان و موقوفات آنها مورخ ۱۱۲۸-۱۱۳۱ در دست هست که در تاریخچه اوقاف گردآوری عبدالحسین سینتا بچاپ رسیده است .

سلطان العلماء سید علاء‌الدین ابوطالب حسین خلیفه سلطان حسینی مازندرانی آملی اصفهانی از دانشمندان بنام سده یازدهم است که در روزگار صفویان به مرتبه وزارت و خلافت سلطان رسیده بوده و در شصت و چهار سالگی بسال ۱۰۶۴ در اشرف مازندران در گذشته و در نجف بخاک سپرده شده است .

پدرش میر رفیع‌الدین محمد خلیفه از مجتهدان بوده و ردی بر شرعه التسمیه میرداماد

نوشته و صدر ممالک هم شده بود و در ۱۰۳۴ در گذشته است پدر او میرشجاع الدین محمود اصفهانی از سادات مازندران بوده و یکی از سادات خلیفه محله کلبار اصفهان بشمار می آمده است نسب او تا میر بزرگ آملی قوام الدین صادق چنین است : فرزند سید علی خلیفه سلطان فرزند سید هدایه الله خلیفه سلطان ندیم شاه اسماعیل و مروج مذهب دوازده امامی فرزند علاء الدین حسین فرزند نظام الدین علی که از ترس عم زادگان خود کنجینه های پدری خود را بر داشته به اصفهان رفته و در نوبی کلبار یا کلبار میزیسته است فرزند قوام الدین محمد فرمانروای مازندران فرزند تاج الدین حسین ابومحمد فرمانروای مازندران فرزند سید مرتضی فرمانروای مازندران ، مادرش ترکان خاتون کیانی دختر پادشاه عماد فرمانروای هزار جریب ، فرزند سید علی فرمانروای مازندران فرزند ابوالعالی سید کمال الدین فرمانروای مازندران و استرآباد و قزوین و الموت فرزند میر بزرگ آملی (نسب نامه سلطان العلماء ضمیمه وقف نامه شجاع الدین محمود) سادات بنی خلیفه در اصفهان معروف بوده اند و تا روزگار نگارنده روضات از آنچه از اوقاف سلطان العلماء مانده بود زندگی میکردند.

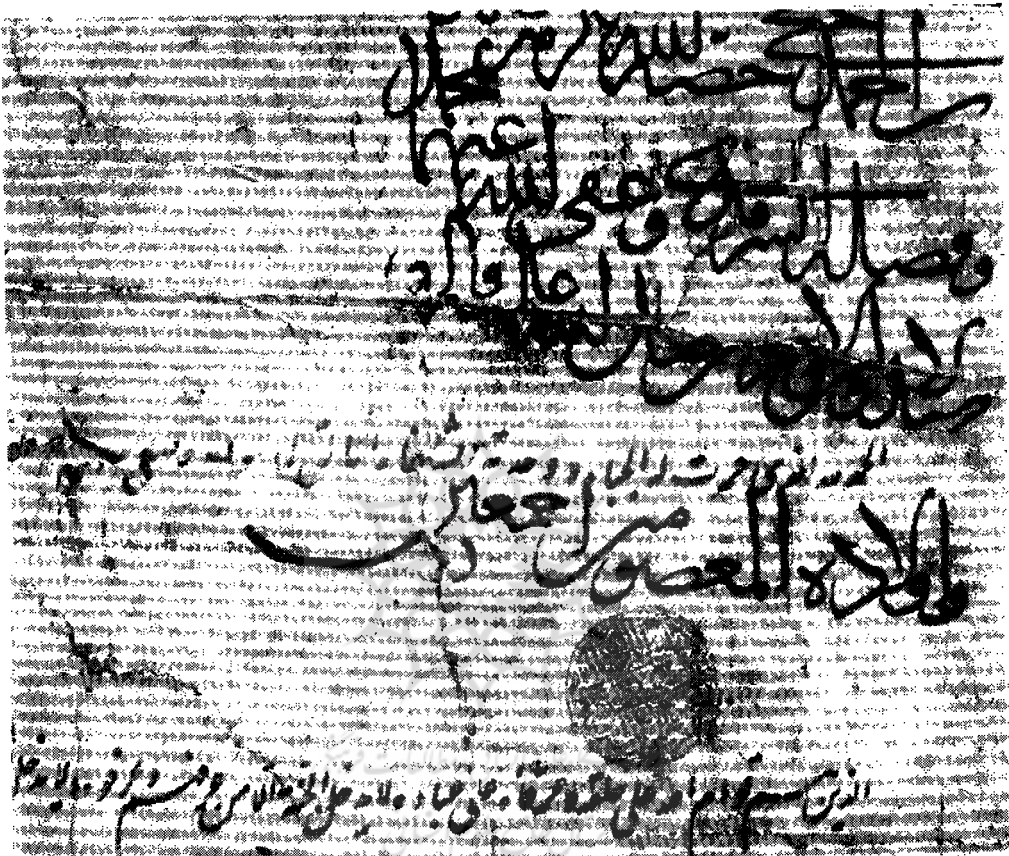
سرگذشت سلطان العلماء در بسیاری از سرگذشت نامه ها و تواریخ آمده بهترین آنها شرحی است که در اعیان الشیعه دیده میشود . مدرک مهم آن مطالبی است که آیه الله حجة الاسلام جناب آقای سید شهاب الدین مرعشی برای مؤلف آن نوشته اند . نسب نامه ای که با این اسناد هست گویا از جناب ایشان است . میکرو فیلم این اسناد و عکس آنها که اکنون در کتابخانه دانشکده الهیات و کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران هست از کتابخانه جناب ایشان است . نگارنده از این عالم جلیل بسی سپاسگزارم که عکس پاره از این اسناد را بدینده لطف فرمودند و توانستم از روی آنها فیلمی بردارم و در دانشگاه بگذارم . این مقالت هم بفرموده ایشان نوشته شده تا آیندگان از کارهای نیک گذشتگان آگاه باشند .

(بتگرید به : عالم آرای عباسی ص ۱۴۸ و ۹۲۸ و ۱۰۱۳ و ۱۰۲۲ و ۱۰۴۰ و ۱۰۴۱ و ۱۰۹۰ و ۱۰۹۱ نیز فهرست نامه ها - ذیل عالم آرای عباسی ص ۶ و ۸۹ و ۹۰ و ۲۵۹ عباس نامه ص ۷ و ۶۵ و ۶۷ و ۷۰ و ۸۹ و ۹۱ و ۱۰۷ - جامع الروات اردبیلی ۱ : ۵۴۴ امل الآمل ش ۲۴۹ - سلافة العصر ص ۴۹۱ - اعیان الشیعة ۲۷ : ۲۳۵ - ریحانة الادب ۲ : ۲۱۴ روضات الجنات ص ۱۹۳ - الذریعة ۹ : ۳۰۲ - فرهنگ سخنوران ص ۱۹۵ - معجم المؤلفین ۶ : ۲۹۲ جغرافیای اصفهان تحویل دار ص ۷۱)

(۱)

الحمد لله الذی خیرت له الجباه، و وحدته الشفاء، الخالق لماسواه، و صلی الله علی مصطفاه و مرعته، و سایر الائمه الذین هم قوام الله علی خلقه و عرفاه علی عباده، لا یدخل الجنة الا من عرفهم و عرفوه، و لا یدخل النار الا من انکرهم و انکروه .

وقف العبد آلانس بمولاه آلايس عماسواه قرية اليه تعالى وطلبا لرضاه ، الموقوفات
المعروفات حدود كل منها و اسماءه ، على الوجه المذكور آخر و اولاه



واقف موافق موقوفات و عارف معارف معروفات موفق كردانيد محرز زبور وراقم
سطور را تا وقف نمود : آنچه به كد و جهد و جد خود به حليه زراعت و عمارت در آورده
كه آن تمامي دوازده مزرعه آتية اسمها و حدهاست ، بر زوارعظام كرام ذوى الاحترام
رفيع مقام عتبات عاليات سدره مرتبات روضه منزلات حضرات ائمه المعصومين صلوات
الله عليهم اجمعين ، و قمامؤبدامخلدا بخلوداطباق الارضين و اوراق السموات ، على مبطله و
الساعى فى ابطلاله لعنات متواليات متتاليات من خالق البريات ، برين وجه كه حاصل مزارع
مذكوره و محصول مواضع مزبوره دامتولى شرعى آن كه بعد از اين مشخص و معين ميشود :



قصة از آغاز وقف تا به مير شجاع الدين محمود اصفهاني

اولا صرف تعمیرات قنوات و بیوت اکره و قلعه و دهکده و مسجد و حمام مواضع مسطوره نماید .

و بعد از آن آنچه بماند منقسم به پنج قسم ساخته : يك خمس آن را صرف اطعام و میلوس و مایحتاج صادرین و واردین زوار هر يك از حضرات . و خمس دیگر را صرف مایحتاج هر يك از عتبات عالیات رفیع الدرجات حضرات و خدمه و سکنه آن عتبات نماید بهر طریق که رای متولی اقتضاء کند . و موسع ساختم مصرف این هر دو خمس را به انبساط آن به رای متولی که هر جا که خواهد و بهر طریق خواهد صرف نماید بهمجاویع زوار عظام کرام مذکورات الاسامی و الاوصاف ، تا نفع آن عام و صرف آن تام باشد ، و متولی به واسطه ضیق مصرف در مضیق فکرت و کلفت نیفتد ، تا آنکه اگر خواهد قسمین مذکورین را در خانه خود یادار هر بقعه که خواهد صرف ضیافت و اطعام و مایحتاج طلبیه علوم دینیہ و زائرین نماید . و اگر خواهد تمامی را نقل یکی از عتبات عالیات منورات مطهرات معطرات نموده صرف خدمه و سکنه و طلبیه آنجا نماید .

و خمسی دیگر متولی صرف خود و مجاویع خود به رسم حق التولیه نماید به شرط اقدام به صرف خمسین اولین در مصارف مذکوره . و خمسی دیگر متولی آن را به سرکار و مشرف و ضابط محصولات و ناظر مزروعات و مستوفی موقوفات مذکور دهد . و تعیین هر يك و تقدیر حق او منوط به رای صایب و ذهن ثاقب متولی است .

و خمسی دیگر متولی صرف بذر و حقوق دیوانی و مصالح زراعت مواضع مذکوره علی حسب مایقتضیه رایہ کند ، و مواضع مذکوره هشت موضع از آن در ناحیه جرقویه واقع است و هر يك از آن مستغنی از توصیف است به واسطه انتساب آن به محدث و واقف آن ، و اشتہار آن فی محلہ ، و مع هذا متمیز و متمین و محدود میشود :

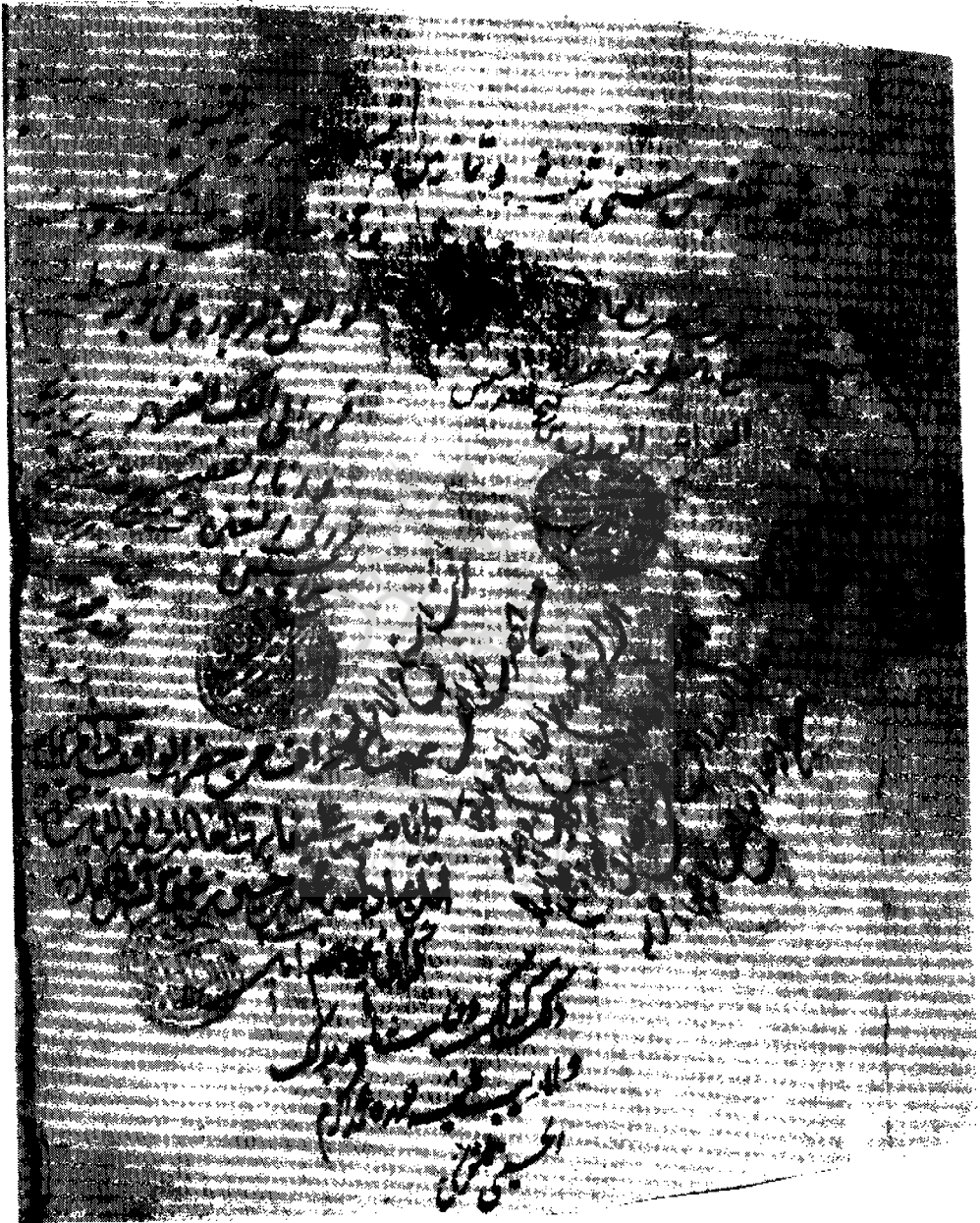
اولا مزرعه اکبر آباد به اراضی پیکان و به مزرعه حسن آباد و به مفازه ازدوجانب و ثانیاً مزرعه شجاع آباد به طریق دولت آباد ، و به قنات مدح آباد و به مفازه از جانبین و ثالثاً مزرعه محمود آباد نزدیک به محمد آباد و به جبل و برودخانه و به مفازه و به قنات اوزخواران . و رابعاً مزرعه نصیر آباد نزدیک به نیکاباد برودخانه و به مفازه از سه جانب . و خامساً مزرعه مدح آباد در تحت شجاع آباد به مزرعه مذکوره و به مزرعه رکن-آباد و به قنات و مزرعه تراب آباد و به مفازه . و سادساً مزرعه سید آباد فیما بین پیکان و دافر خوان به مفازه از چهار جانب . و سابعاً مزرعه سعادت به مزرعه دولت آباد و شجاع آباد و به طریق فتح آباد و به مفازه . و ثامنناً مزرعه رفیع آباد و نزدیک بسیان و مزرعه هدایت آباد و مزرعه بزردان و به مزرعه کوهک و به مفازه . و يك موضع آن در برا آن واقع

است میانه قارنه و اندنان و وادنان و برسیان موسومه به شقیع آباد محدوده به هرزاب وادنان و اندنان و خریه معروفه به دزسور و اراضی قهنویه و قارنه و به صحراء برابر برسیان و یک موضع دیگر ملک آباد رود بار لنجان است محدوده به زنده رود و به جبل از سه جانب. و دوموضع دیگر از آن واقع است در ناحیه کندمان رار و مزدج : اولشجاع آباد کزک محدود به جدول کتک و با شکفت زلیخا و بحقاً و حاجیان و به میل مجکان. و دیگری مشتمل است به مزرعه موسومات به هفت چشمه و سنا بجان و دهق متصلات بیکدیگر محدودات به جبل و بحر قهینه و به کتک و به موضع ولاسجان .

و تولیت و نظارت موقوفات مذکوره را تعیین نمودم : اولاً برای خودم که حق سبحانه و تعالی توفیق دهد و ارواح طیبات طاهرات حضرات « ائمه المعصومین صلوات الله علیهم اجمعین » مدد کند حاصل موقوفات را بروجه مسطور صرف نمایم ان شاء الله تعالی و بعد از من اولاد ذکور من متولی باشند بالسویه ، و حق التولیه بالسویه برند ، به شرط صرف باقی در مصرف و جوب . و بعد از هر یک از ایشان اولاد ذکور او بالسویه متولی باشند. و همچنین هر کدام که متوفی شوند حصه او از تولیت و حق التولیه متعلق باشد به اولاد ذکور او بالسویه بلا تفضیل و مزیه بالغامای بلخ . و بعد از انقطاع اولاد ذکور هر یک نصیب او از اولاد انان او باشد نسلاً بعد نسل و عقباً بعد عقب. و بعد از انقطاع کل العیاذ بالله تولیت متعلق باشد به اولاد ذکور برادرم . و بعد از هر از ایشان به اولاد ذکور او. و بعد از اولاد ذکور به اولاد انان ، حافظاً شرایط الاولی والترتیب الاول . و بعد نسل او اولاد ذکور بنی عم این بنده ، و بعد اولاد ذکور ایشان اولاد انان ایشان ، داعیاً شرایطه الاولی . و بعد از ایشان به ارشد اصالح سادات مازندران که در اصفهان متوطن اند . و بعد الكل بالمجتهد العدل الاثناعشری. و بعد هوبمن يقوم مقامه فی تولیه امور المسلمین. و ددمتن عقد شرط کردم که املاک مذکوره نفر و نشند و به عاریت ندهند و به اجاره ندهند اصلاً ، و ناظر بر متولی نگمارند. و تغییر کننده شرایط مذکوره و غاصب موقوفات مسطوره کلا او بعضاعیناً او منفعتاً در لعنت الهی و سخط حضرت رسالت پناهی و از جمله دشمنان حضرات باشد . و التوکل فی الكل علی خالق الكل .

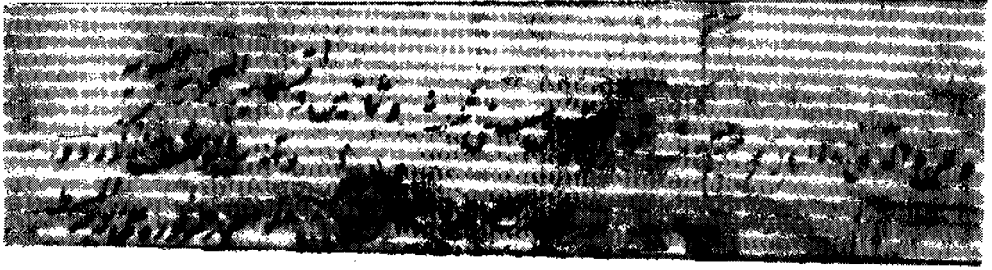
و کتب الاحرف بیده الفانیة الواقف الواقف علی مرتبته الدانیة الراجی الطاف السبحانیة الفقیر الی الغنی شجاع بن علی الحسینی عفی عنی و عن والدی . و التاریخ منتصف شهر صفر من سنی ثلث و ثمانین و تسعمائة الهجرته الهوته ، ص .

وقف المذكورة و سبلت المواطن المزبورة علی الوجه المسطور قرابة الی الملك الغفور



از همان وقف نامه

و انا الفقير الى الغنى شجاع الحسينى « شجاع بن على ... » (مهر درست خوانده نمى شود) بسمه سبحانه . عرض على و سمعت الصيغة الوقفية مشافهة « عبده محمد امين الحسينى »



هو . على حضرة الوقف السيد السند الاجل ، ادام الله تعالى ايام سيادته و افادته ، اعترف ما حرر طى هذه الصحيفة لدى و وقع الصيغة الشرعية بين يدى . حررته الفقير الى الله تعالى بهاء الدين محمد العالمى تجاوز الله عن سيئاته « بالله ثقتى عبده بهاء الدين محمد ٩٨٤ » « نادعليا بولائك يا على اقل العباد على الكرمانى » (مهر)

غيب سنوح الاقرار الشرعى من حضرة العلامة الفهامة الافضل الفضلائية الخليفة الخلفائية بما هو المحكى فى الرقيم المزين بشريف العبارات و لطائف الاستعارات من المقدمات و المتممات ، لاسيما الشروط المرقومة و الضوابط المكملة المعلومه ، فدا تفتت الصيغة الشرعية المعتبرة فى الشريعة البهية المنورة لدى فرتبت عليها مؤدى المله المطهرة من التنفيذ و الالتزام و الانفاذ و انا اقرر فقراء الامصار و البلاد الداعى لايود ظلاله على رؤس العباد محمد مؤمن بن احمد الخنجى ، خصه الله بكرمه الابدى و فضله السرمدى ، و عفى الله عنهما بمحمد سيد الاولين و الاخرين ، و صلى الله عليه و آله و اولاده المعصومين اجمعين « ومن ياته مؤمنا قد عمل الصالحات فاولئك لهم الدرجات العلى . عبده محمد مؤمن الخنجى » .

الحمد لله . اعترف سيدنا الاجل الواقف تقبل الله عمله بصدور ما اشتمل عليه هذا المكتوب منه من الوقف الشرعى ، و كتب العبد محمد بن ابى الحسن الحسينى حامدا مصليا « لاله الا الله الملك الحق المبين ... »

اشهد نى السيد الفاضل الكامل العالم العامل المشار اليه فى طى الصحيفة بما تحويه و انا العبد على الحسينى الحايرى

شهدت بصحة ما سطر فى هذا الكتاب من اعتراف السيد الواقف المشار اليه ، و انا العبد على بن شمس الخادم الحايرى (با مهر ناخوانا)

باعتراف الحضرة الواقف خلد ظله العالی صار شاهدا ، حرره الفقير الحقير العاصی
حسن بن احمد بابا شيخ ساكن اصفهان
شهدت بمضمونه ، حرره الفقير مر بحان (؟) علاءالدين حسين
بمضمون المسطور الشاهد ، حرره العبد المحتاج الى الله الهادى ابن حسن
هو من الواقفين بمضمونه اقل الاقلين

اعترف حضرة الواقف بجمع ماسطر فيه حرره الفقير الحقير ابوتراب بن فتح الله
الحسينى « ابو تراب الحسينى » انا بجمع ما فيه شاهد ابوالفتح الحسينى
سمعت الاعتراف من حضرة الواقف ، دام ايام سيادته و افاضته على مفارق العالمين
الى يوم الدين ، حرره اقل عبادالله محمد بن حسين بن محمد الشهر باقا ملاء كرانى ،
عفى عنهم آمين « العبد آقا ملاء بن حسين »

شرفت باستماع الاعتراف من الحضرة الواقف السيد السند المخدوم المطاع ادام الله
تعالى ايام سيادته و افادته و افاضته و ارشاده و هدايته و مدظله العالی السامى على مفارق
العبادالى يوم التناد ، و انامن جملة خدامه ، رفع به العالی حرمة « محمد »
من الشاهدين باقراره ، مدظله ، ابن محمود مظفرالدين الهايالدشتى « العبد الاقل
مظفرالدين »

باعتراف عالى حضرة الواقف ، انامن الشاهدين ، حرره العبد محمد زمان الحسينى
عفى عنه

شرفنى بالاعتراف دام ايام افادته و افاضته الى العباد ، وانا الفقير محمد بن جعفر اندنانى
ذلك كذلك و انا شاهد بذلك و لا ريب فيه ، حرره اكرم الحسينى النقرشى
هذا الاقرار من عالم الفهامة ابقاه الله تعالى ايام سيادته و افاضته معلوم لدى ، كتبه
الفقير اقل الخلايق ابن فتح الله الشريف الحسينى

[به جهت] اشراف موقوفات مذکور تعيين نمودم جناب فضایل مآب عدالت انتساب
فرزندى و جيهها عبدالکاکما خلف اعالى اب (؟) حاج الحرمین الشریفین تا جا احسنا ، وفقهما۔
الله للعمل بما يجب ويرضى به که جمع و خرج مواضع مذکور باز رسد و بروجه مکتوب...
باشد در صرف به مصارف مزبوره ، و بعد از او به اولاد ذکور او هر کدام را اهليت و
قابليت اشراف مسطور باشد ، اولاد ذکور بالشرط المذكور ماتعاقبوا و تناسلوا و تعيين هر
يکى از متعدد در هر مرتبه اگر باشد ... و حق الاشراف مشاراليه... بحسب اصحاب
مناصب خمسة تعيين شده . چنانچه هر يك از سرکار دفتر

بشرط اقدام هر يك ... و حفظ مراتب امانت و ديانت و سعى در صرف
الفقير الى الله فى تاسع عشرين شهر رجب (مهر ناخوانا)

بسم الله الرحمن الرحيم
 این اسناد وقف ...
 در سال ...
 در روز ...
 در شهر ...
 در وقت ...
 در حضور ...
 در عهد ...
 در زمان ...
 در عهد ...
 در زمان ...
 در عهد ...
 در زمان ...

(۲)

(I) موقوفات حضرات عالیجات سدره مرتبات چهارده معصوم علیهم السلام ، که تولیت آن به سر کار نواب مستطاب سلطان العلماء خلیفه سلطانا متعلق است ، و نصف آن را به حضرت میرزا قوام الدین محمد برادر خود تفویض نموده اند ، و نصف دیگر مخصوص سرکار نواب سابق الالاقاب ، و بعد از آن نصف تولیت ان شاء الله تعالی به اصلح ارشد اولاد ذکور عالی شان نواب المشارالیه بمض القابه الشریف متعلق خواهد بود ، و بعد از او به اسن ارشد اولاد ذکور متعلق خواهد بود ، و بعد از او به اکبر اولاد ذکور و باطناً بعد بطن متعلق خواهد بود ، با نصف دیگر که با میرزا قوام الدین محمد است :

(۱) باغ شجاع آباد واقع در لت پائین ماربین مع دو برج حمام ، حصه قدیمی ،
بالتمام

(۲) خان واقع در سر گلبار مع تیمچه ملحقه بآن و سایر متعلقات

(۳) چهار سوق گلبار مع چهار باب دکان واقعه در آن و بالا خانهای فوق
دکاکین مذکور :

دکان بقالی بالتمام ، دکان حلاجی بالتمام ، دکان علافی بالتمام ، دکان هیمه فروشی بالتمام
(۴) بازار شاه متصله به چهار سوق مذکور که به طرف تختگاه هارون ولایت میروند
(۵) دکاکین محدود به خان سر گلبار : دکان کفش دوزی متصل به چهار سوق مذکور
بالتمام ، دکان سبزی فروشی جنب آن بالتمام ، دکان دلاکی جنب سبزی فروشی بالتمام ،
دکان خر به جنب دلاکی مذکور بالتمام ، دکان شال باقی جنب دکان مذکور بالتمام ، دکان
رزازی که الحال کارخانه حلوایی است در جنب شال باقی مذکور بالتمام ، دکان پایین دکان
شال باقی و دکان خر به مذکور هیمه دان استاد جبار سرای (۶) است بالتمام

(۶) دکاکین طرف شارع عقب مدرسه میرزا شاه حسین ، دکان تنباکو فروشی بالتمام
دکان صفاری جنب آن بالتمام ، دکان صابونی جنب صفاری مذکور بالتمام ، دکان خبازی
علی آقا و دو دکان قبل آن سه بالتمام

(۷) بازار شاه واقع بر شارعی که از تختگاه هارون ولایت بدر حمام کرسی میروند
(۸) دکاکین طرف خان سر گلبار : دکان بقالی بالتمام ، دکان انبار بقالی بالتمام
دکان کله پزی جنب انبار بالتمام ، دکان خبازی سروی (۹) جنب کله پزی بالتمام ، دکان
طلا کوبی جنب در جدید خان مذکور بالتمام ، دکان زرگری جنب طلا کوبی مذکور
بالتمام ، کوکنار خانه جنب زرگری بالتمام ، دکان شیشه فروشی که محدود است به
کوکنار خانه مذکور و به کوچه بالتمام

(۹) دكاكين طرف باغ میدان كهنه: دكان حلوائی برابر بقالی مذکور قبل بالتمام
 دكان یخنی پزی جنب آن بالتمام ، دكان صحافی و دوات گری جنب آن بالتمام ، دكان
 كفش دوزی جنب صحافی بالتمام ، دكان علافی برابر در جدید خان مذکور بالتمام ، دكان
 میوه فروشی جنب آن بالتمام ، دكان جنب میوه فروشی بالتمام ، دكان پاچه پلاوی جنب آن
 بالتمام ، دكان برابر شیشه فروشی بالتمام

(II) موقوفات حفاظ كه در لیالی جمعه در مسجد در خانه نواب تلاوت قرآن مجید
 می نمایند ، و تولیت آن مخصوص نواب مستطاب معلى القاب سلطان العلمائی است ، و بعد
 از آن به ارشد اولاد ذكور او متعلق خواهد بود ، و بعد از آن به اسن اولاد ذكور او متعلق
 خواهد بود ، و بعد از آن به اكبر اولاد ذكور آن بطنا بعد بطن متعلق خواهد بود :

مزرعه وینه واقع در بلوك جی چهار حبه از كل هفتاد و دو حبه ، كار خانه طباحی
 واقع در سر گلبار محدود به مدرسه میرزا شاه حسین بالتمام ، كارخانه قنادی سر نیما رود
 مع دكه های طرفین مذکور بالتمام ، دكان بقالی و دكان میوه فروشی واقع در جنب حمام
 نقاره خانه قدیم متصله بیک دیگر بالتمام

دكان خبازی جنب مدرسه میرزا شاه حسین كه بر سر شاری كه در چهار سوق گلبار
 به تختگاه می رود واقع است و به اجاره علی آقا خباز مقرر است مع زیر زمین زیر دكان
 مذکور بالتمام ، دكان جنب آن كه همیشه دان خبازی مذکور است بشرح بالتمام ، دكان جنب
 همیشه دان مذکور كه انبار علی آقا مذکور است بشرح ایضا بالتمام ، دكان غله فروشی بازار
 غله فروشان قدیم كه دكان مذکور الحال همیشه دان علافی است بالتمام

(III) موقوفات عتبات عالیات كه نصف تولیت آن مخصوص سر كار نواب مستطاب
 سلطان العلمائی است ، و بعد از آن به اولاد ذكور عظام ایشان بالسویه منقسم می شود و
 نصف دیگر به حضرت میرزا قوام الدین محمد برادر نواب سابق الاقباب است :

مزرعه اكبر آباد من مزارع پیکان جرقویه تخمینا بیست طاق از جمله بیست و هشت
 طاق ، مزرعه شجاع آباد بشرح ایضا مع دهكده و باغ بالتمام ، مزرعه سعادت آباد بشرح
 ایضا بالتمام ، مزرعه مرج آباد بشرح ایضا بالتمام ، مزرعه سید آباد بشرح ایضا بالتمام ،
 مزرعه محمود آباد حوالی محمد آباد جرقویه بالتمام ، مزرعه رفیع آباد مشهور به رحمت آباد

در حوالی برزان و هدایت آباد جرقویه ، بالتمام ، مزرعه نصر آباد در حوالی پیکاباد جرقویه بالتمام ، مزرعه شفیع آباد حوالی اندمان برا آن ، ملک آباد رود بار لنجان ، مزرعه شجاع آباد کزک را دو مزدج بالتمام ، مزرعه سامحان راد و مزدج مع توابع بالتمام .

(IV) موقوفات آستانه متبرکه که عرش درجه حایرید که تولیت آن بشرح ذیل مخصوص نواب مستطاب سلطان الملمائی است ، و بعد از آن فی مابین اولاد ذکور ایشان بالسویه خواهد بود ، و حضرت میرزا قوام الدین محمد برادر نواب سابق الالقاب را در تولیت مذکور مدخلیتی نیست : قارنه بر آن و غیره

(۱) قارنه بر آن چهار سهم و نیم از جمله دوازده سهم که عبارت است از يك طاق و يك دانك يك طاق از تمامی بیست طاق

(۲) جلادون قهاب چهار سهم از جمله دوازده سهم که عبارت است از چهار حبه و چهار دانك يك حبه از تمامت هفتاد و دو حبه

(۳) جریقان شیر آبادها سمی چهار سهم و نیم از جمله دوازده سهم که عبارت است از چهار حبه و چهار دانك و نیم يك حبه از تمامی هفتاد و دو حبه

ماحران چهار سهم و نیم از جمله دوازده سهم که عبارت است از چهار سهم از کل پانزده سهم از تمامی هفت حبه از هفتاد و دو حبه

باغ رفیع آباد ایتیعی واقع در کوسه چهار سهم و نیم از جمله دوازده سهم که عبارت از هفتاد و دو حبه باشد

چهار سهم و نیم بشرح فوق که کل تولیت مخصوص سه کار نواب است غیر قطعه انگورستان جنب . . . روح طاحونه . . که باباغ یا باغچه . .

باغ مفتی واقع مال الحصر (۴) چهار سهم و نیم از جمله دوازده سهم که عبارت است از تمامی هر باغی که الحال موجود است .

سوی این جهت آنچه در تصرف است همین حکم دارد

چهارده جریب

باغ مقبره واقع در محله مال الحصر (۴) چهار سهم و نیم از جمله دوازده سهم که عبارت است از کل يك دانك باغ ساده که تخمینا به مساحت شش جریب بوده باشد

باغ یخچال واقع در جنب حصار در دروازه چهار سهم و نیم از جمله دوازده سهم که عبارت است از پنج سهم از کل پانزده سهم از تمامی باغ مذکور که تخمینا

نه جریب است

باغ شجاع آباد ایتبای چهار سهم و نیم از جمله دوازده سهم که عبارت است از چهل جریب از کل باغ گردید

طاحونه واقع در سرمادی فرشادی مشهور به طاحونه ولی در جنب املاک تاجران و طهماسی چهار سهم و نیم از جمله دوازده سهم که عبارت است از چهار سهم از کل شش سهم طاحونه مذکور

دکاکین و عصار خانه واقع در محله مال الحصر به تفصیل و قفیه چهار سهم و نیم از جمله دوازده سهم که عبارت است از پنج سهم از پانزده سهم دکاکین

باغ کلکه واقع در محله مال الحصر محدود به حصار شهر و به خانه نواب علیه چهار سهم و نیم از جمله دوازده سهم که عبارت است از هشت جریب و سه قفیز یک قفیز . از کل باغ مذکور **وقف کتابخانه مدرسه یغیه قسم**

لنجان را آن چهار سهم و نیم از جمله دوازده سهم که عبارت است از چهار سهم از تمامی پانزده سهم موضع . . .

طاحونه مسعود آباد برا آن بشرح ایضا

. . . . بشرح و تفصیل و قفیه

بر آنچه تا حال در تصرف وقف است به تفصیل ذیل سوای آنچه معادل آن غیاث - آباد و غیره شده و از سرکار دیوان برات اجاره مذکور بسرکار نواب مستطاب سلطان - العلمائی متعلق است مع حصه شا پردر خانم صبیبه سیادت و مرحمت پناهی میر هدایت الله حکیم و از قطعات مذکور ذیل چهار سهم و نیم از کل دوازده سهم که عبارت است از قطعات مذکور بسرکار نواب سابق الاقباق متعلق است :

قطعه واقع در صحراء اردسکبان که حسین شاهکی مستاجر است هفت جریب

قطعه بشرح ایضا که حاجی جعفر مستاجر است هفت جریب

قطعه بشرح ایضا که آقا صالح مستاجر است دوازده جریب

قطعه بشرح ایضا که رضا مستاجر است یک جریب

قطعه بشرح ایضا که نقد علی مستاجر است هفت جریب

قطعه بشرح ایضا که محمد علی عبدالحسین مستاجر است نه جریب

قطعه واقع در زیر چاردرج که رستم محمد علی رستم مستاجر است هشت جریب

قطعه واقع در صحراء لهانچمن که ساهرلی مستاجر است هفده جریب و نیم

قطعه واقع در صحراء باغ میان دشت که ورثه آقا نقی صاحب شد شش جریب

۳) سوره نوره

احمدالله الذي وفق السعداء من عبیده بالخیرات، و سلك بالرشاد من خلیقته سبیل النجاة، و شرح صدورهم للإیمان بأفاضة الیوضات، و خصهم بمزید الامثال للمبرات و القربات و رفع قدرهم بأعلی المراتب و المقامات، بوسيلة الاتیان بالموقوفات علی المستحقین و المستحقات و انفاق المال علی المسلمین و المسلمات، و ایصال المنافع الی المؤمنین و المؤمنات، و تعظیم العلماء و السادات، و تکریم الفضلاء و اهل السعادات، و بتجیل الحجاج و زوار المشاهد المتبرکات، و تنفید احوال سکنة المراد المنورات المطهرات، و تحویل معیشة خدعة الحظیرات المقدسات، و الصلاة علی واقف المواقف السرمیة و عارف المعارف الالهیة، هادی السعادة سبیل الازلیة، سالك طریقة النجاة الابدیة، المبعوث بكل البریة، اشرف الخلیقة، بل الموجودات موجودة فی الحقیقة بسبب وجود ذاته الشریفة محمد بن عبدالله و رسول الله و نبی الله و حبیب الله و صفی الله، خاتم النبیین و خاتم المرسلین صلوات الرحمن علیه و آله المعصومین و السلام علی اول الاوصیاء و اشرف الاولیاء، القائل بكلمة « لو كشف الغطاء، النازل فی شأنه «هل اتی» المبین حاله بمصدوقه «الذین آمنوا وهاجروا فی سبیل الله باموالهم و انفسهم اعظم درجة عند الله، و اولئك هم الفائزون، و یشرفهم ربهم برحمة منه و رضوان و جنات لهم فیها نعیم مقیم، خالدین فیها ابدان الله عنده اجر عظیم» قوام الدین و رفیع المسلمین و شجاع المؤمنین، علی ابن ابی طالب، سید الوصیین، سید الاولین و الاخرین، و علی آله و ذریته الطیبین الطاهرین المعصومین، سلاما كثيرا كثيرا مبارکا طیباً الی یوم الدین. اللهم وال من والاه و عاد من عاداه و انصر من نصره و اخذل من خذله

اما بعد برهوشمندان صاحب بصیرت، و واقفان مواقف دین و دولت، پوشیده نخواهد بود که حدیقه آمال اخروی و دوستان الهی بدون آبیاری توفیق موفق حقیقی به اثمار مغفرت بارور نمیگردد، و اشجار چمن مال نیک بخندان خدا پرست به غیر آب حیات هدایت تحقیقی به نور غفران شکفته نمیشود. جنات تجری من تحتها الانهار را بجز جاری ساختن انهار اوامر الهی بدست نتوان آورد و آب روی تقرب درگاه صمدانی را بجز تبرید کبد محرور مزاجان بادیة استحقاق تحصیل نتوان نمود. و ظل ظلیل الهی را بجز رسانیدن آبی بلب تشنگان بیداء فروماندگی نتوان یافت. چنانکه حضرت مخبر صادق ابی جعفر محمد باقر علیه السلام، میفرماید «ان الله یحب ایراد الکبد الحرى. و من سقى کبد حرى من بهیمة او غیرها، اظله الله یوم لا ظل الاظله» خوشا چشم بینایی و گوش شنوایی که به بیند و بشنود و عمل کند، و انهار خیرات در اراضی موات قلوب متعطشان بوادی استحقاق جاری سازد و تخم نیک نامی و نیک کرداری در صحراء طویل و عریض روزگار بیفشاند، و در روز جزا در

سایه الهی به حکم « من جاء بالحسنة فله عشر امثالها » به جمع آوردن محصول مغفرت مشغول شود .

مصداق این مقام احوال خیرمال نواب مستطاب فلك احتجاب بلبقیس مکانی خدیجه- الزمانی ، مریم مرتبت حورا منزلت عصمت و طهارت منقبت ، ملکه الملکات سلطانه النساء المطهرات حاویه اسباب المبرات بانیة ابواب الخیرات ، نقاوه دودمان حیدری ، خلاصه خاندان ولایت مکان اثنی عشری ، مالکة ممالک طاعت ربانی ، کامله مکمله به تکمیل برکات سبحانی مقنیه آثار جدته العلیا بنه خیر المرسلین ، انموزجة المخاطبة بخطاب « ان الله اصطفیک وطهرک واصطفیک علی نساء العالمین » ، رائدة عسکر الخلف الصالح ، مرشدة الخلائق ومرام الانام ، عطوفتها ناحج ، حامية حوزة الاسلام والمسلمین ، حارسة ثغور الممالک عن مفساد المفسدین ، عصمة الدنيا والدين ، مادامت الافلاک دائرة سیارة طالعة الانجم زبیده بیگم ، خلد الله تعالی میامن برکتها وسلطنتها الی یوم المال ، بحق محمد خیر الانبیاء وآله الطاهرین ، ادام الله دولة اعلى حضرت و الدها العظیم الشان العلی المکان ، و هو الخاقان الاعظم الاکرم ، مالک رقاب الامم ، سلطان سلاطین العرب و العجم ، بالعدل و الاحسان ، دافع اشتات الجور و اسباب العدوان ، المؤید من السماء ، المظفر علی الاعداء المتمکن علی مساند الایاء الطاهرین ، ابوالمظفر ابوالمنصور ابوالبقاء السلطان و الخاقان ابن الخاقان شاه سلیمان الحسینی الموسوی الصفوی بهادرخان ، خلد الله ملکه و سلطانه و افاض العالمین بره و عدله .

وقف صحیح شرعی و حبس مؤبد دینی فرمودند ، قرینه الی الله تعالی ، جمیع املاک و اشخاص قراء و مزارع و دکانین و بیخچال و طواحین و بساطین معینه خود را مواضع قراء و مزارع و اراضی و صحاری و قنوات و انهار و باغات که در ذیل هر یک مبین میگردد و تفصیل می یابد ، و بر حقیقت و ملکیت واقعه متصدقه ، تقبل الله برها ، ناطق و دال است ، و در تحت تصرف داشت ، خالیا عن حق النیر و عما یمنع جواز الوقف . (۱) فمئها رقیات معینة مفصله ای که در دار السلطنة اصفهان و بلوکات و نواحی دار السلطنة اصفهان و دار مدینه المومنین قم و غیرهما . فمئها همگی و تمامی و جمگی کل شش دانگ قریه بردشاً فریدن در ناحیه ایوه عن نواحی دار السلطنة اصفهان عراق عجم که مستغنی از تحدید و توصیف است ، با جمیع توابع شرعی و لواحق ملیة آن اراضی و صحاری و مزارع و انهار و عیون و دهکده و کام و تلال و جبال و مراتع و مریض ، مع کل متعلقات شرعی و منضمات دینی و منسوبات ملیة آن ازممارو مداخل و شرب و مشارب و جدال و مجاری و حرایم و آب کاری و ویدیم کاری ، شرعا و عرفا قدیما او جدیدا او خارجا او داخلا دائرا او بائرا ، و غیر ذلك سمي ام لم یسم . (۲) و همگی و تمامی

موازی پانزده حبه از جمله هفتاد و دو حبه از کل شش دانگ قریه خیر آباد الشهیره به شابلانی عن ناحیه اخره مسلمان من مجال فریدن عن نواحی دارالسلطنه اصفهان که در محل وقوع مستغنی از تحدید و توصیف است با جمیع توابع شرعیه و لواحق ملیه ، از مزار و مداخل و شرب و مشارب و انهار و عیون و جداول و تلال و جبال و اراضی و صحاری و مجاری و حرائم و کظایم و آب کاری و دیم کاری و کل مایتعلق بها شرعاً او عرفاً او قدیماً او جدیداً و خارجاً او داخل دایره ابائره ، بقدر الحصة المزبوره ، سمی ام لم یسم . (۳) و منها همگی و تمامی کل شش دانگ قریه شادان و مرزعه چاهک من توابع کرون سفلی عن نواحی دارالسلطنه اصفهان عراق عجم ، با جمیع شرعیه و لواحق ملیه ، از مزار و مداخل و شرب و مشارب و اراضی و صحاری و باغات و قنوات و انهار و جداول و اعیان و دهکده و حمامات و کارخانه جوقتی و دوشابی و طاحونه قریه شادان مذکوره که واقع است کارخانه و طاحونه در شهر نجف آباد ، با جمیع توابع شرعیه و آلات و ادوات حجری و خشی و حیدری ، و غیر ذلك مایتعلق شرعاً او عرفاً قدیماً او جدیداً او داخل او خارجاً ، سمی ام لم یسم ، که هر یک در محل وقوع مستغنی از تحدید و توصیف است (۴) و منها همگی و تمامی موازی دوازده حبه شایعه کامله از جمله هفتاد و دو حبه از کل شش دانگ مرزعه مدعوه موسومه به مزرعه چه لنجان عن بلوکات دارالسلطنه اصفهان ، با جمیع توابع شرعیه و لواحق ملیه از مزار و مداخل و شرب و مشارب و انهار و اراضی و صحاری و باغات و اشجار کنار مادی ، مع باغات و جداول و تلال و جبال و مراتع و مزارع و معالیف ، کما یتعلق بها قدیماً جدیداً بایراً داخل خارجاً و سایر مایتعلق بها من التقدیم الی الان شرعاً عرفاً ، و غیر ذلك سمی ام لم یسم ، بقدر الحصة الشرعیه . (۵) و همگی و تمامی شش حبه از جمله هفتاد و دو حبه کل شش دانگ قریه طاد لنجان عن بلوکات دارالسلطنه اصفهان ، با جمیع توابع شرعیه و لواحق ملیه از مزار و مداخل و شرب و مشارب و انهار و اراضی و صحاری ثلثه و جداول و باغات اربعه که هر یک مستغنی از تحدید و توصیف است قدیماً جدیداً داخل خارجاً شرعاً عرفاً و سایر مایتعلق بها بقدر الحصة المزبوره و غیر ذلك . (۶) و منها همگی و تمامی کل شش دانگ مرزعتین مدعوتین در بلوک کرادج عن بلوکات دارالسلطنه اصفهان ، هر یک با جمیع توابع شرعیه و لواحق ملیه از مزار و مداخل و شرب و مشارب و اراضی و صحاری و انهار و جداول و دهکده و بروج حمام و حمامات و سایر مایتعلق بها شرعاً قدیماً جدیداً داخل خارجاً دایراً بایراً ، و غیر ذلك ، سمی ام لم یسم . (۷) و منها همگی و تمامی کل شش دانگ قریه معینه مشخصه موسومه به قریه حسن آباد دره من توابع بر خوار من بلوکات دارالسلطنه اصفهان عراق عجم ، با جمیع توابع شرعیه و لواحق ملیه ، از مزار و مداخل و سایر مضافات و منسوبات و حیطان و مزارع و مراتع و مزارع و سواقی و قنوات و جداول و اراضی و صحاری و شرب و

مشارب وانهار وحرايم و كظايم ومايتعلق بها شرعاً قديماً اوجديداً داخل او خارجاً دايراً اوبيراً ، وغير ذلك ، ذكر فيه ام لم يذكر . (۸) ومنها همگی و تمامی كلشش دانك يكدرب باغ مشجر باشجار مختلفه مشخصه معينه معلومه واقعه در قرية الیاداران مارين عن بلوكات دارالسلطنة اصفهان الشهيرة به باغ عالی حضرت سلطان الوزراء فی الافاق ، ومالك نواصي الامراء بالا ستحقاق ، ملجأ السلاطين العظام ، وملاذخواقين الكرام ، سيدالحكماء المتالمين وسند العلماء المتبحرين ، درخشفده كو كبرج « قل لاسئلكم عليه اجراً الا المودة فی القربى » حاوی السعادتین ، وجامع المرتبتین ، المستغنی ذاته الشریف عن الالقاب بل الالقاب يباهی بذلك الجناب المويدمن الله المنان ، اعتماد الدولة العلية العالیة الخاقانية ، سلطان العلماء خليفه سلطان الحسينی ، طاب ثراه ، ونورالله مرقدہ ، باجمیع توابع شرعيه ولواحق مليه از ممدار ومداخل وشرب ومشارب وكروم وجدارو جداول وحريم ، وغير ذلك ممايتعلق بها شرعاً من التقديم الى الان كه مستغنی از تحديد وتوصيف است وبمساحت هجده جريب است بالتمام . (۹) ومنها ما وقع فی بلوك دارالمدینة قم همگی و تمامی كلشش دانك قريه خاوه عن بلوك قهستان من محال مدینة المومنين قم ، باجمیع توابع شرعيه ولواحق مليه از ممدار ومداخل ومضافات وقنوات وجداول و انهار و اراضی وصحاری ومراتع ومرابع ومعالف و دهكده واعیان وعمارات وتلال وجبال ، وكلما يتعلق بها شرعاً او عرفاً قديماً اوجديداً داخل او خارجاً دايراً اوبيراً ، وغير ذلك ، كتب فيه ام لم يكتب . (۱۰) وهمگی و تمامی كلشش دانك قرية معينة معلومه مشخصه موسومة بقريه بوره عن قراء بلوك قهستان من محال مدینة المومنين قم ، باجمیع شرعيه ولواحق مليه اسلاميه وشرب وقنوات وانهار وجداول ومعارف ومراتع ومرابع ودهكده وعمارات وحمامات وتلال وجبال ، وسایر ممايتعلق بها قديماً جديداً داخل خارجاً ، وغير ذلك سمي ام لم يسم . (۱۱) ومنها ما وقع فی دارالسلطنة اصفهان ايضاً فمنها همگی و تمامی كلشش دانك يك باب يخجال الشهيرة به يخجال باباحسن واقعه درمحلہ باب القصر دارالسلطنة اصفهان ، باجمیع توابع شرعيه ولواحق مليه از ممر ومدخل وشرب ومشارب وجدارو كود برد ، وسایر ممايتعلق بها شرعاً من التقديم الى الان ، وغير ذلك ، سمي ام لم يسم وذكر ام لم يذكر . وهمگی و تمامی كل چهار سوق مع نه چشمه طاق كه از سه طرف معبر عام است ودكاكين طرفين كه عبارت از بيست ويكباب دكان بوده باشد ، مع كارخانه شماعي وپيش دكان شماعي كه كل آنها من حيث الاتصال واقع درمحلہ باب القصر اصفهان است باجمیع توابع شرعيه ولواحق مليه از ممدارو مداخل وعرصه واعیان وقضاء واسباب حجری وخشبی ، وغير ذلك ممايتعلق بها شرعاً من التقديم الى الان ، سمي ام لم يسم وذكر ام لم يذكر بالتمام والكمال ، كه كلا وقف است برعتبة عليہ سپهر اشتباه سده سنیه خلائق پناه ملايك بارگاه روضه جنت آسامرقد فرقدین فرسا ، الحضرة المقدسة ، الامام الكامل والامام الواصل

هادی الثقلین و نورالعینین ، عین الانسان و انسان العین ، شفیع الخلق عند الخالق لهدایة الخلاق ، نور حدیقة الوجود ، و نور حدیقة الاحسان و الجود ، الكامل المظلوم بالکرب و البلاء الواصل المرحوم السعید الشهید فی الکربلاء ، مرقدہ فوق الغرقدین ، و مشہدہ قبلة العالمین ، شاه جهان روشنی ، هردو عین سبط نبی ، نقد ولایت حسین ، علیہ و علی ابیہ و جدہ و اخیہ و امہ و التسعة من بنیہ و الشهداء معہ من موالیہ و محبیہ ، صلوات من ربہم و رحمة و تحیة من عند اللہ مبارکة طیبة ، و الحمد للہ رب العالمین و سلم تسلیماً کثیراً کثیراً . وقف صحیح دینی و حبس صریح یقینی ، و تولیت آنرا مفوض نمود علیا حضرت واقفہ معظم الیہا ، بر نفع قویم و صراط مستقیم ، اولاد ذات شریف و نفس نفیس خود مادام الحیة دائماً موبداً و بعد از خود بر فرزند ارجمند سعادت مند خود ، و هو الکوکب الازھر فی فلك السیادة و الجلال ، و النور الازھر فی حدیقة الفضل و الکمال ، مطلع انوار المجد و العلی ، مظہر آثار العز و البہاء ، ذو النسب الطاهر و الحسب الباهر السید السند ، میرزایی میرزا محمد باقر و فقه اللہ للعمل الصالح بما یحب و یرضی ، و جعل آخرتہ خیرا من الاولی و بعد از ان با اولاد ذکور ایشان ثم علی اولاد ذکور ایشان ، ثم علی اولاد اولاد اولاد ذکور ایشان ، ثم علی اولاد اولاد اولاد اولاد اولاد اولاد ذکور ایشان ، و ہکذا ما تناسلوا و تعاقبوا ، بہ شرط تقدم بطن اسفل ، فی جمیع المراتب ، چنانچہ ہریک از ذکور اولاد ذکور حصہ پدر خود را تصرف نمودہ ، اگر چہ عم موجود باشد و ہم چنین ترتیب می یابد مادام کہ ہر طبقہ و شعبہ ذکور اولاد ذکور بہ شرط تقدم آباء در شعبہ بر اولاد خود باشند و چنانچہ یکی از ذکور اولاد او را ذکور منتسب الیہ بالابوة وان نزل مفقود باشند ، تولیت حصہ او بہ اولاد ذکور از انات او متعلق بودہ باشد و اگر اولاد ذکور انات او نیز مفقود باشد ، بہ اقرب ذکور باقی اولاد کہ در آن شعبہ باشند متعلق باشد ، و اگر عیاداً باللہ در اولاد او در جمیع طبقات ذکور منسوب الیہ بالابوة مفقود شوند ، ثلث تولیت بر انات اولاد انات بہ شرط تقدم بطن سابق بر بطن لاحق ، چنانچہ در ذکور مذکور شد ، متعلق بودہ ، ثلثان دیگر بہ برادران میرزا محمد باقر مشار الیہ ہر کدام کہ موجود باشند متعلق بودہ باشد . و بعد از فقدان ایشان و اولاد ایشان بہ تفصیل المذكور آنفا و اگر هیچیک از برادران او موجود نباشند ، ثلثان تولیت مزبور بہ ذکور اولاد برادران ایشان باشد و الا بہ ذکور اولاد ذکور ایشان و ہکذا متعلق بودہ باشد و اگر ، نعوذ باللہ ، اولاد انات میرزا محمد باقر مشار الیہ بالکلیة منقرض و منقطع شوند ؛ تولیت محال مزبور متعلق بہ برادران میرزا محمد باقر مومی الیہ ، و بعدہم بہ ذکور اولاد ایشان بہ تفصیل السابق ذکرہ متعلق بودہ باشد . و نعوذ باللہ ہر کدام از برادرانرا اگر اولاد ذکور بالکلیة منقطع گردد ، بہ شرح

مسطور به برادران دیگر اولاد ذکور ایشان متعلق گردد. و اگر، العیاذ بالله در هیچ یک از تطبیقات و شعب و اولاد ذکور مذکور نماند، کل تولیت متعلق به اولاد انات ایشان به حصه و رسد آباء بوده باشد. و اگر، نعوذ بالله، اولاد ذکور و انات اولاد و اولاد ذکور و انات اولاد واقعه بالکلیه منقطع شوند، به شرط آنکه ظهران اولاد ذکور، وجود نباشند، و الا هر یک از آن برادران موجود بر اولاد ذکور مقدمند؛ تولیت متعلق بذکور اولاد سادات اولاد برادران میرزا محمد باقر مشارالیه بوده باشد، به شرط تقدم بطن لاحق در هر شعبه و اگر نیز مفقود شوند به اصلح و اقرب از اقارب علیا جناب واقفه از سادات متعلق بوده باشد. و بعد از آن به اعلم و اصلح از سادات مقیم دارالسلطنه اصفهان متعلق بوده باشد. و شرط فرمودند علیا حضرت واقفه از عواقب امور، در حین انشاء این وقف کثیر البرکات که: اولاً حاصل رقیبات مسطوره فوق راسرِف عمارات ضروریه موقوفات مزبور از تنقیه قنوات و عیون و مرمرات جداول و انهار و اسطخر اخات آن و تعمیر ابئید و باغات و عیان و جدران و اراضی و بساتین و طواحین و حمامات و غیر ذلك نمایند و بعد از وضع آن اولاد یک ثلث از منافع موقوفات مسطوره را به وضع و انات و زراعات و اخراجات ضروریه و تعمیرات لازمه صرف دهه عاشوراء در روضه جناب سید الشهداء و خامس آل عبا اباعبدالله الحسین و اعانت زائرین آن بزرگوار نموده و هکذا هر ساله مبلغ پنج تومان است و شخص شیعه صالح متدینی رادر نجف اشرف تعیین نمایند که هر شبانه روز به نیابت واقفه مکرمه زیارت حضرت سید الوصیین و اب الائمة الطاهرین امیر المؤمنین، علیه و علیهم الصلوة والسلام را، از قرب بانماز زیارت به عمل آورد و مقرری او هر ساله از یک ثلث حاصل موقوفات است و هکذا هر ساله مبلغ پنج تومان است. و شخص شیعه صالح متدینی رادر کربلائی معلی تعیین نمایند که هر شبانه روز به نیابت واقفه محترم زیارت حضرت سید الشهداء و امام الاتقیاء اباعبدالله الحسین، علیه التحية والتناء، از زیارت حضرت عباس و جمیع شہداء رضوان الله علیهم اجمعین از قرب بانماز زیارت به عمل آورد، و مقرری او از یک ثلث حاصل موقوفات است. و دو ثلث بقیه رادر میانه اولاد ذکور میرزا محمد باقر معظّم الیه به شروط هر قومه فوق تقسیم نمایند و شرط دیگر نمودند واقفه مزبور که موقوفات مذکور را نظیر و شنند، و هبه و رهن نمایند و از سه سال زیاده به اجاره ندهند، و حکام و مباشرین دیوان اعلی دخل و تصرف بدون اذن متولی نمایند و از متولیان در هر عصری از اعمار محاسبه نجویند. و طمع کنند، و تغییر و تبدیل دهنده در شرایط و وقف مذکور بمثل اشخاصی باشند که سوار خوک گردیده و بچنگ جناب سید الشهداء و خامس آل عبا ابی عبدالله الحسین رفته باشند، و در یوم یقوم الحساب در نزد جد امجد با او مخاصمه، و از اعمال صالحه او تقاس خواهم نمود. فمن بدله بعد ما سمعه فانما اثمه علی الذین یدون نه انه هو السميع العليم. وصیغه شرعیه بالعریبه و الفارسیه جاری و واقع گردید و ازید ملکیت علیا جناب واقفه محترمه معظمه اخراج و بتصرف موقوف علیه داده شده و الحال یدایشان ید تولیت است، نه ید ملکیت. حرر ذلك فی ثانی عشر شهر رجب المرجب من

شهور الاثنین وتسعين بعد الالف من الهجرة المقدسة النبوية على هاجر هاء و آلها و اولاده و اهل بيته
و اصحابه الف الف الصلوة والسلام ۱۰۹۲ .

مهر: هو الله. اگر چه هست بگیتی بدو فلک رانم

ز نسل فاطمه دختر سلیمانم

هو الله تعالی بسم الله الرحمن الرحيم و به تقي

الحمد لله الواقف على الثيمات العالم بالسرائر والخفيات والصلوة على صاحب المعجزات
محمد المبعوث بالسور والايات وآله العالمين بالزبر والبيئات المجمودون في ارضين والسموات
غرض از تحرير اين كلمات شرعية الدلالات باهرات واضحة البيئات آنستکه توفيق رباني
و تأييد سبحاني مجدداً شامل حال و كافل آل عليا حضرت، حواسيرت، مريم سيرت خورشيد منزلت
ناهي مدرتبت، خديجه رتبت، فلک بارگاه، خورشيد اشتباه، وحشمت عظمت واجلال دستگاه
واقفه موفقه فوق گرديد، ووقف صحيح شرعي وحبس مؤبد ديني مجدداً فرمودند همگي و
تمامي و قاطبه سه دانک شايع کامل از جمله شش دانک قريه کوجان رار فرديج من توابع
محال اربعه نواحی اصفهان که در محل وقوع مستغنی از تجديد و توصيف است، باجمع توابع
شرعيه ولو احق عليه از معمار و مداخل و شرب و مشارب از ديم کاری و آب کاری و تلال و جبال
و آب و روانهار و قنوات و اراضي و صحاري و مجاري و جداول و حرايم و كظايم و مرانع و مرايض،
و كلما يتعلق به اشراً قديماً جديداً داخلاً خارجاً دائراً بائراً، و غير ذلك، سمی ام لم يسم
ذکر فيه ام لم يذكر، به شروح و قيود و شرايط مرقومه در وقفنامه چه مذکور فوق بدون زياده
و نقصان، از قرار داد مصارف و اوصاف متوليان وغيره که به نهج مسطور در وقفنامه چه کبيره
بعداد تعميرات ضرورية آن منافع اين بايد به نجر مرقوم مرفوق و مصروف، و بهيچ وجه ن -

الوجوه تغيير و تبديل ندهند . پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

وايضاً عليا جناب واقفه معظم اليها تلقى بأن فرمودند که املاك مرقومه موقوفه جديده
نيز از يد ملكيت اخراج، و بيد توليت متصرف ميباشند، و تغيير و تبديل کننده شروط مذكوره
و فروشنده و خرنده و دخل و تصرف کننده بدون اذن متوليان به لعنت الهي و سخط نامتناهي
و عدم شفاعت حضرت رسالت پناهي و ائمه اطهار مبتلا و روسياه دنيا و آخرت بوده، و در عرض
اکبر در خدمت جناب پيغمبر و ائمه اثنا عشر با او مخاصمه و از اعمال صالحه او تقاص
خواهد شد و گناه اشخاصی که در وقت عاشوراء در مقابل جناب سيد الشهداء مقاتله با آن
بزرگوار و اهل بيت اطهار نموده اند بگردن ايشان خواهد بود، و صيغه جاری شد فمن بدله
بعد ماسمه فانهما ائمه على الذين يبدلونهم . تحرير افی عشرين (۲۰) شهر ذی الحجة الحرام
من شهور سبعة ومائة والفاء (۱۱۰۷) من الهجرة المقدسة

مهر: هو الله. اگر چه هست بگیتی بدو فلک رانم

ز نسل فاطمه دختر سلیمانم